

نقش مردم اصفهان در قیام سی و سی یکم تیرماه چه بود؟

بسیاری از مردم مذهبی اصفهان روز ۲۸ تیر ۱۳۳۱، به خیابان‌ها آمدند و حمایت خود را از آیت‌الله کاشانی و دولت مصدق اعلام کردند و تعدادی مورد اصابت مستقیم گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند.

به گزارش سایت خبری پرسون، از اصفهان؛ یک‌سال و ۴ ماه پس از به ثمر نشستن نهضت ملی صنعت نفت، در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، قیامی اتفاق افتاد. شروع قیام بعد از استعفای دکتر مصدق و انتخاب قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری از طرف شاه بود.

مردم خواستار استعفای قوام و نخست‌وزیری مصدق بودند. نقش روحانیت در پیروزی نهضت نفت غیرقابل‌انکار است. در نهایت قوام طرد شد و مصدق مجدداً به نخست‌وزیری انتخاب شد. اما این قیام موجب شهادت شمار زیادی از مردم در سرتاسر کشور شد.

نهضت ملی‌شدن صنعت نفت در پی دستیابی به دو هدف عمده بود: اول، انتقال قدرت سیاسی از دربار به مجلس. دوم، کوتاه‌کردن حاکمیت اجانب بر صنعت نفت.

انگلیسی‌ها در طول سال‌های استیلای خود بر منابع نفت کشور ایران به ثروت هنگفتی که تماماً متعلق به آحاد ملت ایران بود، دست‌یافته بودند؛ بنابراین ملی‌شدن صنعت نفت ایران و یا هر نوع مذاکره در مورد آن چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی برضد انگلیس بوده است.

نقش روحانیت در پیروزی نهضت غیر قابل انکار است

آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و توفیق آن نقش اصلی را برعهده داشت و در حقیقت ایشان ایفاگر نقش یک رهبر دینی بود که با حمایت از حرکت ملی، مشروعیت دینی و مردمی را به نهضت بخشید. موضع مقتدرانه ایشان و مردم عامل اصلی برنده‌شدن نهضت ملی نفت بود.

با استعفای مصدق و پذیرش آن از سوی شاه، مجلس برای رای به نخست‌وزیر جدید وارد شور شد. احمد قوام با ۴۰ رأی اعتماد از مجلس توانست برای نخست‌وزیری انتخاب شود.

قوام در ۲۸ تیر درخواست اختیارات فوق‌العاده برای اعاده امنیت در سراسر کشور کرد.

شاه به قوام دستور داد برای برقراری نظم از نیروی انتظامی استفاده کند و به او قول داد در صورت وخامت اوضاع فرمان انحلال مجلس را صادر کند.

آیت‌الله کاشانی شرایط را به‌خوبی درک کرده بود و از خطراتی که کشور با آن مواجه بود به‌خوبی آگاه بود. ایشان با صراحت و قاطعیت اعلام کرد: قوام خائن به ملت است و باید کنار برود و مصدق برای ادامه نهضت باید بازگردد.

نظام حاکم سعی کرد تا رضایت کاشانی را جلب کند، اما موفق نشد. قوام وقتی دید که نمی‌تواند با کاشانی کنار آید، اعلامیه «کشتی‌بان را سیاستی دیگر آمد و سیاست از این بعد از دین جداست» را صادر کرد.

قوام، حملات خود را متوجه کاشانی کرده بود که در توده عظیم مردم مذهبی جای داشت و می‌توانست وزنه یکی را به ضرر دیگری سنگین سازد هر چند مصدق خود تمایل چندانی به نخست‌وزیری نداشت، ولی کاشانی نمی‌توانست قبول کند که نهضت در آن شرایط با شکست مواجه شود.

آیت‌الله کاشانی که خطر را به‌خوبی حس کرده بود، حملات خود را به طور غیرمستقیم متوجه شاه ساخت و با اعلامیه‌ای خطاب به قوای انتظامی با تشریح وضع موجود آنان را به اسلام دعوت کرد، اما این امر با وجود فرماندهی کل بودن شاه، امر ساده‌ای نبود. این امر نشان‌دهنده قدرت وسیع معنوی کاشانی و عدم ترس از عواقب این عمل بود.

حضور اصفهانی‌ها در خیابان‌ها و حمایت آنان از آیت‌الله کاشانی

با اولین اعلام آیت‌الله کاشانی، بازار تهران در روز ۲۶ تیر ۱۳۳۱ تعطیل شد. در بسیاری از نقاط کشور وضع متشنج شد. در آبادان و اصفهان تظاهرات وسیعی صورت گرفت.

محمود فروزبخش، کارشناس امور مذهبی و مشاهیر تخت فولاد در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در اصفهان اظهار داشت: مردم مذهبی اصفهان در دوران مشروطیت بسیار فعال بودند و تحت‌نظر آیت‌الله نجفی با حمایت از مشروطه یک دوره نشاط سیاسی را تجربه کردند.

وی افزود: بعد از دوره رضاشاه هیئت علمیه اصفهان دوباره تحت رهبری آیت‌الله سید حسن چهارسوقی اصفهانی پا به عرصه وجود گذاشت.

فروزبخش خاطرنشان کرد: ایشان از علمای برجسته اصفهان بودند که قبل و بعد از صنعت ملی‌شدن نفت از این ایده حمایت کردند. به تبع ایشان بسیاری از علما در اصفهان از آیت‌الله کاشانی پیروی و حمایت خود را اعلام کردند.

کارشناس امور مذهبی و مشاهیر تخت فولاد گفت: آیت‌الله چهارسوقی بنا بر نقشی که در هدایت مذهبی و سیاسی مردم اصفهان داشت، در ارتباط مستمر با سران نهضت با ردوبدل کردن تلگراف بین آنان از امور سیاسی کشور باخبر بود.

بسیاری از این نامه‌ها و تلگراف‌ها به چاپ رسیده و در اختیار عموم قرار گرفته است. همچنین بسیاری از پیام‌هایی که آیت‌الله کاشانی یا دکتر مصدق برای مردم اصفهان داشتند، بنا به رسم پیشین، توسط آیت‌الله چهارسوقی ابلاغ شده است.

نقش روحانیون اصفهانی در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱

هیئت علمیه اصفهان با مسئولیت و محوریت آیت‌الله چهارسوقی نقش فعالی در هدایت جریان‌های مذهبی و سیاسی اصفهان و به‌خصوص ملی‌شدن صنعت نفت داشت. دلیل عمده ورود این جماعت در سیاست، حضور آیت‌الله کاشانی بود، اما بلافاصله آنان در ارتباط با دکتر مصدق هم قرار گرفته و در تمام مدتی که مسائل مهم سیاسی در جریان بود، هیئت علمیه اصفهان، نقش خود را به‌عنوان حامی دولت مصدق و آیت‌الله کاشانی ایفا کرد.

فروزبخش در ادامه گفت‌وگو بیان کرد: یکی از مصادیق برجسته حمایت از دولت مصدق زمانی بود که قوام به نخست‌وزیری انتخاب شد و آیت‌الله کاشانی در تهران اعلام کرد که اگر مصدق به نخست‌وزیری برنگردد، کفن‌پوش به خیابان خواهیم ریخت.

مشارکت در صدور اطلاعیه و بیانیه در حمایت از دولت دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی ادامه یافت تا آن که ماجرای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ رخ داد.

وی افزود: بسیاری از مردم مذهبی اصفهان در روز ۲۸ تیرماه ۱۳۳۱، به خیابان‌ها آمدند و حمایت خود را از دولت مصدق اعلام کردند و تعدادی مورد اصابت مستقیم گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسیدند.

این کارشناس همچنین اشاره کرد: آیت‌الله سید محمدرضا جرقویه‌ای از اولین کسانی بود که در این قیام به شهادت رسید. در ورودی تلگراف‌خانه رئیس شهربانی با قنداق تفنگ به سر ایشان ضربه‌ای زد که از پله‌ها به پایین‌پرت شد و بر اثر ازدحام جمعیت آسیب زیادی دید. پس از یک ماه بر اثر جراحات وارده ناشی از آن ضربات، به شهادت رسید و از اولین شهدای این قیام به شمار می‌آید.

فروزبخش با اشاره به اینکه یکی دیگر از راه‌های اعلام حمایت از این واقعه‌نگارش اهل‌قلم بود، گفت: آیت‌الله محمد زند کرمانی صنعت ملی‌شدن نفت را در یک کتاب ۵ فصل نگارش کرد تا مردم را نسبت به مسئله ملی‌شدن صنعت نفت در کشور آگاه سازد.

وی برخی از شخصیت‌های برجسته اصفهان که در این قیام نقش داشته‌اند را نام برد و افزود: امیرقلی امینی یکی از فعالان این قیام در اصفهان بود که از این ایده حمایت کرد. همچنین آیت‌الله سید مرتضی مستجاب‌الدعواتی مشهور به «مستجابی» و نوه آیت‌الله سید ابوالحسن صدر عاملی است که یکی از مبارزان سیاسی در دوره ملی‌شدن صنعت نفت و از نزدیکان آیت‌الله کاشانی به شمار می‌روند. آیت‌الله سید مرتضی مستجاب‌الدعواتی که در قید حیات هستند، به‌صورت فعال در صحنه حضور داشتند و حمایت خود را از آیت‌الله کاشانی اعلام کردند.

از ویژگی‌های قیام ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، اطلاع و ترس مخالفین از اهمیت پیوند دین و سیاست بود که مردم را با دست‌خالی، مقابل ارتش وارد مبارزه بی‌امان کرد و مرگ را با آغوش باز پذیرا بودند.

افسوس که مصدق اهمیت این پیوند را ندانست و از نفوذ روحانیت در بطن جامعه غفلت کرد و نتوانست از نفوذ روحانیت در جامعه استفاده کند. حتی در برخی موارد این پیوند را گسست و دشمنان هم از این امر بسیار سوءاستفاده کردند. همچنین از بین‌رفتن اختلاف دو ابرقدرت امریکا و انگلیس بر سر منافعی در مورد نفت و اتخاذ آنان بر علیه ملت و کاهش نفوذ روحانیت از دیگر پیامدهای این قیام بود.

در واقع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و پیروزی که مردم در آن روز به دست آوردند، نتیجه اتحاد و تبعیت از رهبران آزادی و استقلال کشور بود. امری که بدون حفظ وفاق و اتحاد امکان‌پذیر نبود.

این قیام هر چند با تبعید آیت‌الله کاشانی و کودتا علیه مصدق، رهبرانش را از دست داد، اما در طول تاریخ ایران ثابت کرد هر گاه ملت و روحانیت دست‌به‌دست هم دهند، در مقابل دشمنان داخلی و خارجی می‌توانند بایستند و به خواست خود برسند.

قیام تاریخی ۳۰ تیر ۱۳۳۱، آیینی عبرت و چراغ راه آینده ماست و چه‌بسا اگر در اطراف رهبران نهضت یعنی آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق عده‌ای، ساز تفرقه و عدم اتحاد و خطای محاسبه را کوک نمی‌کردند، رهبران نهضت دچار اختلاف نمی‌شدند و چه‌بسا سرنوشت کشورمان در سال‌های بعد کودتا به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.